

پاسخگوی آن دانست.

این نظر، منطقی است، ولی با مفاد ماده ۳۶۴ ق.م.ا. (مسئولیت آخرین سبب) تطابق کامل ندارد و باید برای مسئولیت موتورسوار (الف) به مواد دیگر استناد کرد.

نتیجه گیری

بدیهی است دادگاهها در مقام رسیدگی، به پیروی از یکی از نظریه‌های مذکور مکلف هستند و لازم است در مورد هر واقعه‌ای به طرق مقتضی برای کشف و احراز رابطه سببیت بین تقصیر و نتیجه حاصل شده اقدام و نظر خود را با قانون منطبق سازند.

گذار از منطق کیفری به منطق بیمه‌ای در سیاست جنایی

ره‌آورد نوین عدالت ترمیمی

□ سیدمحمدناصر میرقی

□ مدرس حقوق بیمه در دانشگاه علوم اسلامی رضوی^۱

چکیده:

تحقیقات انجام شده در عرصه علوم جنایی در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه قلمرو مداخله نظام کیفری و اتکای محض به شیوه‌های موردتوصیه در نظام عدالت کیفری کلاسیک، اعم از شکل‌سز ادهنده و حتی بازپرورانه آن نمی‌تواند آن‌گونه که انتظار می‌رود پاسخگوی مردم و افکار عمومی و در راستای تأمین فضایی امن و آرام باشد.

به تعبیری شفاف‌تر، اکنون کاستیهای مدل سنتی نظام کیفری که با مشکلات زیاد ناشی از تراکم پرونده و تورم کیفری و کمبود امکانات در رسیدگیهای قضایی عجین شده، کاملاً آشکار شده است. از سویی دیگر، کم‌توجهی به «بزه‌دیده» به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان پدیده مجرمانه که دارای موقعیتی خاص می‌باشد، نظام کیفری سرکوبگر را با بن‌بستهای

۱. و نیز کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

متعددی رویه‌رو ساخته است؛ زیراسیاستها و نتایج طوفان گونه اقدامات این نظام، اگرچه از نظری پیشگیری و سزای ادهی، فاقد اثر نبوده، ولی در ترمیم، جبران و التیام احساسات و عواطف رنجیده قربانی جرم، کمترین اثر را داشته است.

ظهور بزهدیده‌شناسی، روزنه‌های امید را به فضایی می‌گشاید که در کنار توجه به نقش بزهدیده در فرآیند تکوین جرم، موقعیت، نیازها و شیوه‌های حمایتی از او را ترسیم می‌کند. بدین ترتیب، فرآیند جایگزینی رویکرد جدید، با داعیه حمایت از بزهدیده و اتکا بر مدل ترمیمی به جای مدل سنتی عدالت ترمیمی، چشم‌انداز جدیدی را فراروی بزهدیده‌شناسان و اندیشوران علوم جنایی قرار می‌دهد. در این رویکرد جدید، سازوکار «بیمه» قابلیت‌های نمایان توجیهی را از خود نشان می‌دهد که می‌تواند نوید بخش اقداماتی مؤثر برای بزهدیدگان تلقی گردد.

کلید واژگان: منطق بیمه‌ای، عدالت ترمیمی، طرح حمایت از بزهدیدگان، منابع جایگزین، جبران و ترمیم خسارتها.

مقدمه

ارتکاب بزه غالباً با ایراد ضرر و زیان بر بزهدیده همراه است. علاوه بر خسارت‌هایی که به صورت مستقیم به دلیل وقوع عمل مجرمانه بر بزهدیده تحمیل می‌گردد، پاره‌ای از خسارتها (مانند هزینه‌های دادرسی، مخارج درمانی و زیانهای ناشی از کارافتادگی) مواردی است که بزهدیده با آنها رودر روست. بخش دیگری از خسارتها (همچون ضایعات ناشی از جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف) فاقد نمود عینی و مادی است. این دسته از خسارتها نیز که در شمار خسارت‌های غیر مادی تلقی می‌گردد، بزهدیده را متأثر ساخته، آثار ناخوشایندی بر زندگی او دارد و گاه در تمامی لحظات حیات، بسان کابوسی دهشتناک بر زندگی بزهدیده سایه می‌افکند. از این رهگذر، توقع جامعه، افکار عمومی و بزهدیدگان از سیاست جنایی، توجه خاص به شیوه‌ها و راهکارهایی است که اگر قادر نیست در همه موارد، موقعیت بزهدیده را به حالت اولیه بازگرداند، دست کم با همه امکانات و

بهره‌گیری از سازوکارهای موجود در ترمیم نسبی خسارت‌های وارد شده، همت گمارد و احساسات، موقعیت و نیازهای بزهدیده را در مراحل مختلف پس از ارتکاب جرم (مرحله دادرسی، جبران خسارت و...) دریابد.

در این نوشتار برآنیم تا با تکیه بر رهیافتهای نوین مدل عدالت ترمیمی و تجربیات سایر کشورها در این زمینه، ضمن تبیین اجمالی طرح حمایت از بزهدیدگان، چگونگی تکوین بخشهای جدیدی در حقوق بیمه را که به تدریج با محدود کردن قلمرو مداخله نظام کیفری توسعه می‌یابد، معرفی کنیم و آنگاه به قابلیت‌های متنوع سازوکار بیمه در راستای حمایت از بزهدیده بپردازیم. شایان ذکر است که کاربرد و پرداختن به مفاهیمی مانند ترمیم، احیا، اعاده، بازسازی، جبران، استرداد، سازش، مصالحه، گفت‌وگو و میانجی‌گری، همگی در پی تکوین و بالندگی اندیشه حمایت‌گراانه مطالعات بزهدیده‌شناختی در دانش حقوق کیفری مطرح شده است. در این مقاله نیز با تکیه خاص و از منظر تبیین نقش و توانایی عرض اندام سازوکار بیمه برای تحقق عینی هر یک از مفاهیم مزبور، تلاش شده است امکانات بالقوه و بالفعل صنعت بیمه در راستای حمایت از قربانیان جرایم و بحث پیشگیری مورد بررسی قرار گیرد و میزان اثرگذاری این سازوکار حقوقی در عرصه سیاست جنایی به تصویر کشیده شود. پیش از هر چیز، بهتر است مفهوم عدالت ترمیمی طرح و تشریح شود.

اگرچه دربارهٔ رئوس عدالت ترمیمی، توافق عمومی وجود دارد، اما متخصصان در خصوص معنای خاص آن به اجماع نرسیده‌اند، لیکن «Howard Zehr» از دانشمندان و پیشگامان عدالت ترمیمی در آمریکا، عدالت ترمیمی را چنین تعریف می‌کند:

عدالت ترمیمی فرآیندی است که تا حد ممکن، آنانی را که در جرم خاصی نقش داشته‌اند و نیز ضررها، نیازها و الزامات بزهدیدگان را برای درمان و جبران آنها دربرمی‌گیرد.^۱

1. Howard Zehr, The little book of Restorative justice, Good Books Publication, 2002, p.37.

«مارتین رایت» انگلیسی عدالت ترمیمی را این گونه تعریف می‌کند:

عدالت ترمیمی عدالتی است که می‌کوشد بین منافع بزه‌دیده و جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزه‌کار، توازن و تعادلی ایجاد کند و در صدد است ترمیم و بهبود وضعیت بزه‌دیده را تا حد امکان عملی سازد و در این مسیر، همه اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند (مانند بزه‌دیده، بزه‌کار و وابستگان آنان) و نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری را به مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فراخواند.^۱

طرح حمایت از بزه‌دیدگان

پیش از ورود به بحث حمایت از بزه‌دیدگان باید بزه‌دیده معرفی گردد. بزه‌دیده کسی است که بزه یا جنایتی علیه او ارتکاب شده باشد. این جنایت می‌تواند ابعاد و جنبه‌های گوناگون داشته باشد. بنابراین ما با بزه‌دیدگان اجتماعی، پنهان، مالی، اقتصادی و... روبه‌رو هستیم. بزه‌دیده موجودی فراموش شده و در عین حال نیازمند حمایت و توجه است.

هرچند نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و ارتباط وی با مجرم، زمینه اصلی بحثهای بزه‌دیده‌شناسی را تا اواخر دهه ۱۹۷۰ به خود اختصاص داده بود، ولی موقعیت واقعی و تعیین‌کننده بزه‌دیده به عنوان یک انسان و یکی از ارکان پدیده مجرمانه با همه احساسات و نیازهای وی از نظرها دور مانده بود و از این پس، با نقطه عطفی در تاریخ علم بزه‌دیده‌شناسی مواجه هستیم که محور بحثها به بزه‌دیده و نیازهای او معطوف می‌گردد.

ثمره این تحوّل چشمگیر، آغاز اندیشه و نگرشی نوین بود که تنها از منظر بررسی چگونگی نقش بزه‌دیده در ارتکاب عمل مجرمانه، به قربانی جرم نمی‌پرداخت، بلکه با آرمانی کاملاً انسانی و متعالی، به وضعیت خاص و شیوه‌های همراهی، مساعدت و حمایت و تسکین آلام بزه‌دیده توجه داشت. در عمل، طرح

1. Martin Wright, An International Approach, What Is Restorative Justice? Paper to Seminar in Honour of Gunual Marnell, Stockholm, 18 April 2002.

این دیدگاهها و احیای نقش بزه‌دیده تلاشهای گسترده اندیشمندان حقوق کیفری، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و سیاستمداران را می‌طلبد.^۱

عنوان «بزه‌دیده‌شناسی کنشی»^۲ با «بزه‌دیده‌شناسی ثانوی» دقیقاً به این نگرش جدید اختصاص یافته است.^۳ شایان ذکر است محدوده و قلمرو بحثها در حوزه بزه‌دیده‌شناسی ثانوی، چنان گسترده‌گی یافت که به تدریج قربانیان غیر مستقیم عمل مجرمانه (مانند خانواده و افراد تحت تکفل بزه‌دیده اصلی) نیز مورد توجه قرار گرفتند و طرحها و توصیه‌های جدید در راستای حمایت از آنها ارائه گردید.^۴

قوانین جزایی برخی از کشورها نیز از این اندیشه جدید تأثیر گذاشت و زمینه‌های اجرایی درک موقعیت بزه‌دیده و شیوه‌های جبران خسارت‌های وارد بر او در متن قوانین کیفری جای گرفت. ابداع و تأسیس سازمانها و تشکلهای غیر دولتی و انجمنهای خیریه با موضوع حمایت از قربانیان جرایم، پیش‌بینی صندوقهای حمایتی و مشارکت منابع مالی دولتی برای تأمین خسارت‌های ناشی از جرایمی که به دلیلی، جبران‌نشده می‌ماند، در زمره ابتکاراتی است که می‌توان آنها را از ثمرات طرز تلقی و رویکرد انسانی بزه‌دیده‌شناسی ثانوی به شمار آورد.

توجیه طرح حمایت از بزه‌دیدگان توسط هر یک از صاحب‌نظران علوم جنایی به شیوه‌ای خاص و از منظر متفاوت صورت پذیرفته است؛ بعضی ابعاد ارزشی حمایت از بزه‌دیدگان را در جامعه مورد تأکید قرار داده‌اند^۵ و عده‌ای دیگر رشد روزافزون بزهکاری در چند دهه اخیر و عجز و قصور دولتها در تأمین امنیت جامعه را منشأ اولیه تکوین جنبش جدید و ارائه طرح حمایت از بزه‌دیدگان معرفی

۱. مصطفی عباسی، *افقهای نوین عدالت ترمیمی و میانجیگری کیفری*، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵.

2. Relational Victimology.

۳. ریموند گسن، *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۴. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی ۱۹۸۳ در خصوص حمایت از قربانیان جرایم.

۵. عزت عبدالفتاح، «سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، *مجله قضایی و حقوقی داگستری*، شماره ۳، ص ۸۹.

کرده‌اند.^۱

یادآور می‌شود که در پاره‌ای موارد با دیدگاهی افراطی، توجیه طرح حمایت از بزه‌دیدگان، «ملاحظه کارنامه ناخوشایند حقوق کیفری و عدم شایستگی آن برای تأمین امنیت مورد انتظار افکار عمومی و ضرورت الغای آن» دانسته شده است.

این جنبش با سه مرحله کیفرزدایی و جرم‌زدایی و در نتیجه، الغای سیستم کیفری در صدد مبارزه با حقوق کیفری بوده است. پس هدف از به کارگیری طرح حمایت از بزه‌دیده با این طرز فکر، جایگزین کردن حلّ و فصل غیر قضایی قضازدایی^۲ با مشارکت مردم و نهادهای مردمی و محدود کردن قلمرو حقوق کیفری است.^۳

هدف کاستن از آمار بزهکاری با ارائه طرح حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از بزه‌دیدگیهای مکرر^۴ نیز در شمار یکی از توجیحات قابل دفاع طرح حمایت از بزه‌دیدگان تلقی می‌گردد.

جرم‌شناسان طرفدار این نظریه معتقدند حمایت از بزه‌دیده، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و خواه در قالب حمایت‌های مادّی و معنوی، سبب می‌شود تا وی با بازیافتن اقتدار خویش و جبران ضعفها و رهایی از انزوا و افسردگی اجتماعی از موقعیت مشابه موقعیت قبلی که از وی بزه‌دیده‌ای بالقوه ساخته بود، خارج شود و نیز با کاستن از آسیب‌های روحی او خطر انتقام و ارتکاب جرم را کاهش دهد.^۵

حمایت از بزه‌دیده با توسل به همه امکانات در اختیار دولتها، جامعه و قانونگذاران، از نخستین لحظات وقوع عمل مجرمانه و در طول دادرسی و تا اطمینان کامل از تأمین و جبران کامل ضرر و زیان واردشده بر بزه‌دیده، در طرح حمایت از

۱. ریموند گسن، همان، ص ۱۹۷.

2. Diversion.

۳. ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳.

4. Revictimization.

۵. عبدالعلی توجیهی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مجتمعه آموزش عالی قم، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۷۸، ص ۳۱.

بزه‌دیدگان به شدت مورد تأکید قرار گرفته است؛ تا جایی که برخی را خروج این طرح از مسیر بی طرفی و حاکمیت احساسات بر آن، نگران کرده است.^۱

در پاسخ به این نگرانی باید اذعان داشت که نتیجه عینی اقدامات صورت پذیرفته در کشورهای مختلف در چارچوب طرح حمایتی از بزه‌دیدگان، به رغم حفظ جنبه انسانی آن، به عینیت این رشته و طرح جدید، خللی وارد نساخته است. حمایت از بزه‌دیدگان در سه مرحله جداگانه، یعنی «پس از وقوع جرم»، «در مرحله دادرسی» و «تأمین و جبران ضرر و زیان» مطرح شده است. از نخستین لحظات ارتکاب جرم، مساعدتهای پزشکی و تسکین نامالایمات و عواطف بزه‌دیده می‌تواند نقش بسیار مؤثر و ارزشمندی در راستای حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از توسعه ضرر و زیان وارد شده بر او ایفا کند.^۲

در مقطع دادرسی و احقاق حقوق بزه‌دیده، با توسل به دستگاه عدالت قضایی نیز ایجاد تسهیلات ویژه در زمینه اقامه دعوی، حذف یا به حداقل رساندن تشریفات دادرسی به نفع بزه‌دیده است و توجیه منطقی و تفهیم کامل قربانی جرم درباره موقعیت و حقوق وی، ضروری و مورد توصیه طرح حمایت از بزه‌دیدگان قرار دارد.

از سوی دیگر، عملکرد و شیوه‌های اجرایی دستگاه قضایی باید به صورتی باشد که بزه‌دیده را از نگرانی و عدم اعتماد به رسیدگیها و بی نتیجه بودن اقدامات قضایی خارج کند. بنابراین تمامی تلاش حقوق کیفری باید در مسیر تقویت جایگاه و موضع قربانی جرم در فرآیند رسیدگیهای قضایی قرار گیرد. در این زمینه «گسن» حقوق قربانی جرم را به عنوان مهم‌ترین موضوعات آیین دادرسی کیفری جدید

۱. همان، ص ۳۲.

۲. قطعنامه سازمان ملل متحد، مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» در مواد ۱۴ تا ۱۷ حمایت از بزه‌دیده را در این مرحله با تکیه بر ضرورت فوریت‌های پزشکی دارویی، روانی و اجتماعی، مورد توجه و توصیه قرار داده است.

The Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power (29 Nov 1985 ca/121/22).

معرفی کرده است.^۱

شایان ذکر است که تأمین احساس امنیت بزه‌دیده در طی مراحل رسیدگی کیفری و جلوگیری از اعمال هرگونه فشار روانی یا مادی علیه بزه‌دیده، از دیگر وظایف حاکمیتها در راستای حمایت از بزه‌دیدگان به شمار می‌رود.^۲

پیش‌بینی نهادهایی که به صورت رسمی یا غیر رسمی در حد فاصل مراجعه بزه‌دیده به دستگاه عدالت و محاکم قضایی تا احقاق حق وی، او را از آماج تهدیدها، ارعاب و آزار مصون بدارد، امری ضروری است که نیازمند توجه بیشتر از سوی متولیان سیاست جنایی در انواع سیاست جنایی قضایی، تقنینی و اجرایی می‌باشد.

چگونگی تکوین حقوق بیمه در راستای حمایت از قربانیان جرایم

تحقیقات چند دهه اخیر نشان می‌دهد که مفهوم سیاست جنایی نسبت به گذشته بسیار گسترش یافته است. با این توضیح که پاسخهایی که علیه پدیده مجرمانه اعمال می‌شود، از محدوده کیفری محض فراتر رفته و تنها نشأت یافته از نظامهای کیفری نیست. از این پس، سایر نظامهای حقوقی، هر یک بر ضد پدیده مجرمانه، پاسخهای ویژه خود را ارائه می‌دهند. اینجاست که نظامهای حقوق اداری، مدنی، انضباطی، مالیاتی و نیز بیمه‌ای وارد عمل می‌شود و به موازات آن نیز جامعه مدنی (اعم از نهادهای غیر رسمی و مردمی) با روشهای مختلف به مبارزه با پدیده مجرمانه می‌پردازد. بنابراین در بحث پیشگیری از جرم، نهادهای رسمی در کنار سایر نهادهای مردمی و سازمانهای غیر دولتی، مسیر حرکت خویش را می‌یابند. با این تعبیر، انتظار جدیدی مطرح می‌گردد که متکی بر اصل ضرورت تداوم این

۱. ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۴۵.

۲. توجه به استفاده از واحدهای میانجیگری با رعایت حقوق و مصالح بزه‌دیده تا حدود زیادی از حجم فشارهای روانی و احساس عدم امنیت بزه‌دیده خواهد کاست. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ژان پرادل، همان.

حضور در مرحله پس از وقوع جرم، یعنی حمایت از بزه‌دیدگان است.

بدیهی است چنانچه کارایی و نقش مثبت جامعه مدنی و نظامهای غیر رسمی و دولتی در فرآیند پیشگیری از وقوع عمل مجرمانه به اثبات رسیده باشد، با اطمینان می‌توان به قابلیت آن برای حضور و ایفای نقش در مرحله حمایت از قربانیان جرایم نیز امیدوار بود.

این نگرش، چشم‌انداز جدیدی را متجلی می‌کند که در ابعاد گسترده‌ای، زمینه‌های ورود جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی را به عرصه حمایت از بزه‌دیدگان فراهم می‌سازد. در چنین رویکردی ضرورت شناسایی پتانسیلهای گسترده موجود در بطن جامعه و تشکلهای مردمی برای حمایت از بزه‌دیدگان به عنوان اصلی اساسی، مد نظر متولیان سیاست جنایی کشورها و صاحب‌نظران علوم جنایی قرار می‌گیرد. با این تعبیر، انتظار رسیدگی به وضعیت و جبران و ترمیم ضرر و زیان وارد بر بزه‌دیدگان، توقعی بجا و منطقی به نظر می‌رسد. بنابراین برای عدم رسیدگی و جبران خسارتهای وارد بر قربانی جرم، هیچ توجیهی قابل پذیرش نیست.

سیاست جنایی باید برای تحقق انتظار فوق و جبران و ترمیم ضرر و زیان وارد بر بزه‌دیدگان، حساسیت خاصی داشته باشد و در این راستا نظارت کافی را اعمال کند. پس از وقوع جرم، آنچه مسلم است، نخستین مسئول جبران و ترمیم خسارتهای وارد شده و شخص بزه‌کار است. لازم است تمامی ابزارهای موجود در اختیار سیاست جنایی برای ترغیب و تشویق مجرم به جبران خسارتهای وارد بر قربانی عمل مجرمانه وی ساماندهی شود. در چنین فضایی این احتمال وجود دارد که به دلایل مختلف مانند درگذشت بزه‌کار، عدم شناسایی یا متواری بودن وی و یا اعسار و عدم توانایی مالی، نتوان به جبران خسارتهای از طریق الزام بزه‌کار امید داشت. بدیهی است در چنین موقعیتی جای تردید وجود ندارد که دعوت بزه‌دیده به صبر و شکیبایی و تحمّل بار سنگین خسارتهای وارد بر او، بدون پیش‌بینی سازوکار مفیدی که بتواند در مسیر حمایت از وی مؤثر واقع گردد، عادلانه و موافق با انصاف نیست. از سوی دیگر، مجازات مجرم و پاسخهای دستگاه عدالت کیفری

در غالب موارد، هیچ‌گونه نتیجه و ثمره مشخصی برای قربانی جرم که با مشکلات ناشی از بزه‌دیدگی و ضرر و زیانهای مربوط دست به گریبان است، به ارمغان نخواهد آورد.

واقعیت این است که توانایی و کارآیی دستگاه عدالت کیفری نیز در حوزه مفاهیمی مانند جبران، ترمیم و تسکین رنجها و عواطف جریحه‌دار شده بزه‌دیده، بسیار محدود است. بنابراین، سیاست جنایی، مشارکت دولتها و انجمنهای نیکوکاری را به عنوان دو منبع جایگزین جبران خسارت‌های وارد بر بزه‌دیده مورد توجه قرار می‌دهد.

در عرصه قانون‌گذاری، پیش‌بینی موارد متعددی که دولت را در شرایطی خاص، مکلف به جبران خسارت می‌سازد، از مصادیق تلقی دولتها به عنوان یکی از منابع جایگزین برای جبران خسارت‌های وارد بر بزه‌دیده مورد توجه است.

شایان ذکر است که در فقه اسلامی نیز با پیش‌بینی موارد متعدد جبران خسارت از محل بیت‌المال، توجه فقها به ضرورت حمایت از بزه‌دیده مبرهن می‌گردد.^۱ منابع خیریه نیز با سازوکار غالباً سنتی خود، بیشتر به صورت تأسیس انجمنهای نیکوکاری با موضوعات تعریف شده نمود می‌یابد و نحوه مداخله این نهادها در فرآیند حمایت از قربانیان جرایم، گاه در بطن فعالیت اصلی انجمنها در چارچوب فعالیتهای انسان‌دوستانه متجلی می‌گردد و در پاره‌ای موارد به صورت سازمان‌یافته و منطبق با عنوان انجمن یا مؤسسه مزبور تحقق می‌یابد. برای گروه اخیر می‌توان به تأسیس و فعالیت انجمنهای نیکوکاری حمایت از اطفال بزه‌دیده و یا بزه‌دیدگان جرایم جنسی در برخی کشورها مانند فرانسه اشاره کرد.

ذکر این مطلب حائز اهمیت است که این انجمنها بیشتر ترجیح می‌دهند با

۱. مثلاً هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. نمونه دیگری که می‌توان ذکر کرد، این است که اگر جانی برای پرداخت دیه عمد یا شبه عمد بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند، دیه از بیت‌المال داده می‌شود (ماده ۳۱۲ و ۳۱۳ ق.ا.م.؛ شیخ مفید، *المقننه*، ج ۱، ص ۷۴۸، جامعه المدرسین؛ ابوصلاح حلبی، *الکافی فی الفقه*، ج ۱، ص ۳۹۵، مکتبه امیرالمؤمنین. اگر در زمین هموار کشته‌ای یافت شود، دیه از بیت‌المال است (شیخ طوسی، *النهاية عن مجرد الفقه و الفتاوى*، ج ۱، ص ۷۵۴، منشورات قدس.)

راهنمایی و ارشاد و تهیه لایحه برای بزه‌دیدگان از حقوق آنها دفاع کنند و زمینه‌های جبران و ترمیم خسارت‌های وارد به آنان را فراهم آورند.

مسئولیت دولتها نیز برای جبران خسارت‌های وارد بر قربانی جرم، در مواقعی که از طریق مرتکب جرم، امکان دستیابی به شرایط ترمیم خسارت مقدور نیست، در واقع ناشی از نگرش گذار از حقوق مسئولیت مدنی فردی به حقوق مسئولیت مدنی اجتماعی است.

از این رهگذر، برخی کشورها مانند فرانسه در مواردی مانند قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ م. راجع به قربانیان جرایم ناشی از رانندگی، حق ترمیم خسارت را مستقل از خطا پذیرفته‌اند و فرآیند گذار از حقوق مسئولیت به حقوق بیمه نیز تحقق یافته است.^۱

لازم به یادآوری است که در ایران نیز ضوابط مربوط به استفاده از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه مسئولیت دارندگان وسائط نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، به نوعی مشهود به این موضوع پرداخته است.^۲

حال با توجه به مطالب پیش‌گفته، چگونگی طرح حقوق بیمه و تحقق جایگزینی ابزار و شیوه‌های مبتنی بر تفکر و منطق بیمه‌ای به جای روشهای کیفری محض روشن می‌گردد و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که در قبال محدودیتها و کاستیهای منابع مالی دولتی و خیریه به عنوان دو ابزار جایگزین جبران خسارت‌های وارد بر قربانیان جرایم، راه‌حل جدید و قابل اجرا چیست؟

پاسخ صریح و قاطع نگارنده، ارائه طرح بهره‌گیری از قابلیت‌های متنوع بیمه و جوه سازمان‌یافته بیمه‌ای است که می‌تواند به عنوان منبع جایگزین توانمندی، از

۱. ر.ک: دلماس - مارتی می‌ری، *نظامهای بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. ر.ک: ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، مصوب ۱۳۴۷/۹/۲۶ و ماده ۳ آیین اجرایی قانون مزبور، مصوب هیئت وزیران، اسفند ۱۳۷۴.

سیاست جنایی پشتیبانی کند و کمبودهای پیشین در زمینه جبران خسارت‌های وارد بر بزه‌دیدگان را تا حدود قابل توجهی مرتفع سازد.

بنابراین در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان به نقش بیمه در جبران یا ترمیم انواع خسارت‌های وارد بر قربانیان جرایم، به تفکیک ماهیت خسارت‌ها به شرح زیر اشاره کرد:

۱. نقش بیمه در جبران خسارت‌های مادی

ضرر و زیانهای مادی یا مالی که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و داراییهای بزه‌دیده وارد می‌گردد و ممکن است به صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن دارایی و اموال یا کاهش ارزش آنها) یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه) ظاهر گردد، خسارت‌های مادی تلقی می‌گردد.^۱

چگونگی ایفای نقش بیمه در جبران این نوع خسارت‌ها کاملاً شناخته شده است. با توجه به این تعریف می‌توان اذعان داشت که دو گروه عمده قراردادهای بیمه اموال و مسئولیت که هر یک دارای انواع متعدّد و متنوعی است، مستقیماً در راستای جبران خسارت‌های مادی عمل می‌کند. تعمیم قراردادهای بیمه اموال (مانند بیمه‌های سرقت، آتش‌سوزی و محمولات) و نیز بیمه‌های مسئولیت (از قبیل بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری و مسئولیت کارفرمایان در مقابل کارکنان و اشخاص ثالث و مسئولیتهای حرفه‌ای) به تکوین حاشیه امنیتی قابل اتکایی برای جبران خسارت‌های وارد بر اموال و خسارت‌های مادی منجر می‌گردد.

شایان ذکر است در سالهای اخیر توسعه قراردادهای بیمه مسئولیت نیز چنان شکوفا شده است که کمتر موردی از مسئولیت را می‌توان یافت که صنعت بیمه از ارائه پوشش تأمین برای آن خودداری کند.^۲

۱. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. ارائه هر پوشش بیمه‌ای منطبق با شرایط ریسک و با محاسبه حق بیمه خاص خود صورت می‌پذیرد. برای مطالعه بیشتر در خصوص نقش بیمه‌های مسئولیت در جبران خسارت‌های وارد بر قربانیان جرایم به کتاب *بیمه‌های مسئولیت* (نوشته آلن پاول، ترجمه علی‌اکبر ریس، چاپ بیمه مرکزی ایران، ۱۳۸۱) مراجعه فرمایید.

از سویی دیگر، اجباری شدن برخی پوششهای بیمه‌ای از نوع مسئولیت مانند بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث) به عنوان یکی از مصادیق روشن و بارز توجه قانون‌گذاران به ضرورت تعمیم بیمه در راستای حمایت از قربانیان جرایم قلمداد می‌گردد. همچنین زوایای مختلف قانون مزبور، به ویژه در مواردی که ضرورت پرداخت خسارت را حتی در شرایط عمد یا مستی راننده توصیه می‌کند، بیانگر استفاده مطلوب قانون‌گذاران از نهاد بیمه در فرآیند حمایت از قربانیان است.^۱

۲. نقش بیمه در جبران خسارت‌های ناشی از منافع ممکن‌الحصول

توسعه قراردادهای بیمه عدم‌النتفع که معمولاً به صورت پوششی اضافی و تکمیلی منظم به بیمه‌های اموال ارائه می‌گردد، می‌تواند نقش مشخصی را در جبران این‌گونه خسارت‌ها ایفا کند. برای نمونه می‌توان به جبران خسارت‌های ناشی از اقدامات عمومی برای حریق اموال توسط اشخاص ثالث اشاره کرد. در این موارد، در صورت وجود پوشش عدم‌النتفع که معمولاً برای کارگاهها و مؤسسات صنعتی ارائه می‌گردد، می‌توان خسارت‌های مربوط به عدم‌النتفع را نیز از طریق بیمه تأمین کرد.

بدیهی است که در این مواقع، بیمه‌گران به قائم‌مقامی از طرف قربانیان این جرایم نسبت به تعقیب و شناسایی و اقامه دعوی علیه مجرم اقدامات سازمان‌یافته‌ای را پی می‌گیرند. در این مرحله، بیمه‌گذار ضمن برخورداری از مزایای بیمه و جبران خسارت‌های خود، از احساس تأمین امنیت ناشی از پیگیری موضوع توسط مؤسسه بیمه بهره‌مند می‌گردد.^۲

۳. خسارت‌های جسمانی

آسیبهای وارد بر تمامیت جسمانی، ممکن است به جرح، نقص یا قطع عضو، بیماری

۱. ر.ک: جان‌علی محمود صالحی، *حقوق زیان‌دیدگان و بیمه شخص ثالث*، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۲. ماده ۳۰ قانون بیمه، مصوب ۱۳۱۶ به بیان قاعده جانشینی و تشریح چگونگی آن پرداخته است.

و از کارافتادگی دائم یا موقت و حتی مرگ مجنی علیه منجر گردد.^۱ کارآیی بیمه در این موارد، علاوه بر آنچه در قالب بیمه‌نامه‌های عمر، حوادث و اشخاص، درمان و نقص عضو مشاهده می‌گردد، با ملاحظه امکان مطالبه دیه از طریق استناد به بیمه‌نامه مسئولیت مسبب جرم نیز حائز اهمیت است. در این زمینه نیز باید اذعان داشت که فراگیری و تعمیم پوشش‌های بیمه‌ای در رشته‌های یادشده، افراد جامعه را در قبال حوادث و از جمله جرایم عمدی و غیر عمدی مورد حمایت قرار می‌دهد.

۴. نقش بیمه در ترمیم^۲ خسارت‌های معنوی

خسارت‌های غیر مادی و ضرورت جبران آن، موضوعی است که حقوق‌دانان با دیدگاه‌های متفاوت به آن نگر بسته‌اند. عده‌ای در مقام مخالفت با آن، تعدد تقویم خسارت‌های غیر مادی به پول یا اهانت به شخصیت بزه‌دیده را مطرح کرده و بعضی در دفاع از ضرورت جبران این دسته از خسارت‌ها به ترضیه خاطر بزه‌دیدگان در اثر جبران خسارت‌ها و تسکین دردهای آنان اشاره داشته‌اند.^۳

در اکثر کشورها و از جمله قانون آیین دادرسی کیفری سابق ایران، قانون‌گذاران تحت تأثیر نظریه اخیر بر جبران این دسته از خسارت‌ها تأکید داشته‌اند.^۴ هرچند تا کنون تعریف قانونی مدوئی از این خسارت‌های ارائه نشده است، ولی می‌توان مصادیق آن را خسارت‌های وارد بر شهرت، حیثیت و آبرو، معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و عواطف و علائق خانوادگی دانست.^۵

قانون آیین دادرسی کیفری جدید ایران، مصوب سال ۱۳۷۸ با رویکردی دور از انتظار، مسیر رسیدگی‌های کیفری برای الزام بزه‌کار به جبران این‌گونه خسارت‌ها را

۱. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲. انتخاب واژه ترمیم به جای جبران در خصوص خسارت‌های غیر مادی، از این روست که به اعتقاد نگارنده، تحقق و دستیابی به شرایط جبران کامل خسارت‌های غیر مادی (عاطفی، هیجانی و...) دور از ذهن است. لذا به کارگیری واژه ترمیم که به معنای جبران نسبی است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. همان، ص ۲۱۰.

۵. همان، ص ۲۱۳.

مسدود ساخته است که به نظر می‌رسد این بخش از قانون مذکور نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.^۱

ملاحظه می‌گردد که بستر لازم برای مطالبه و جبران خسارت‌های غیر مادی در نظام حقوقی، چندان مناسب نیست؛ از این رو نهاد بیمه و سازوکار مربوط به آن تا کنون مجال و فرصت مغتنم و شایسته‌ای برای ایفای نقش در این رهگذر به دست نیاورده است. بنابراین چنانچه محدودیت و نقصی در ضوابط و مقررات بیمه‌ای در این مقوله ملاحظه می‌گردد، عادلانه نیست که کم‌توجهی متولیان صنعت بیمه را عامل آن بدانیم. شایان ذکر است که به رغم خلأهای موجود، باز هم اثرات مثبت و غیر مستقیم جبران خسارت‌های مادی توسط بیمه‌گران بر تسکین آلام و هموار ساختن رنج و درد تحمیل‌شده بر قربانیان جرایم، قابل انکار نیست.^۲

قابلیت‌های سازوکار بیمه در حمایت از بزه‌دیدگان

ویژگی نوگرایی در ضوابط و مقررات بیمه‌ای، تنوع مباحث و گستردگی حقوق بیمه و ارائه طرح‌های ابتکاری متعدد در قالب قراردادهای بیمه‌ای جدید، به ایجاد شرایط بسیار مناسبی برای ایفای نقش نهادهای بیمه و در راستای حمایت از حادثه‌دیدگان (به طور عام) و جبران خسارت‌های وارد بر قربانیان از جرایم منتهی گردیده است.

وضع قوانین مربوط به بیمه‌های اجباری (مانند بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسائط نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث) بیانگر توجه ویژه قانون‌گذاران بر حمایت از حادثه‌دیدگان و قربانیان جرایم از طریق بهره‌گیری از

۱. قبلاً در ماده ۳۱۲ قانون مجازات عمومی و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان مطالبه خسارت‌های معنوی پیش‌بینی شده بود. هرچند در حال حاضر نیز مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی می‌تواند مستند مطالبه این‌گونه خسارت‌ها قرار گیرد، لکن تأکید قانون آیین دادرسی کیفری بر این موضوع، نیازی ضروری است.

۲. انتخاب واژه ترمیم به جای جبران در خصوص خسارت‌های غیر مادی، از این روست که به اعتقاد نگارنده، تحقق و دستیابی به شرایط جبران کامل خسارت‌های غیر مادی (عاطفی، هیجانی و...) دور از ذهن است. لذا به کارگیری واژه ترمیم که به معنای جبران نسبی است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

امکانات بیمه است.

در بیمه‌های اختیاری حوادث، هر بیمه‌گذاری در معرض آماج جرایم مختلفی قرار دارد که در صورت وقوع آنها با شرایط خاص، می‌تواند از بیمه‌نامه برای ترمیم تمامی یا بخشی از خسارتهایی که متحمل شده است، استفاده کند. شایان ذکر است که در مقررات بیمه‌ای و اکثر قراردادهای معمول، خسارتهای عمدی اشخاص ثالث نسبت به بیمه‌شده، بیمه‌گذار و یا سرمایه تحت پوشش حمایتی بیمه، از مشمول تعهدات بیمه‌گران خارج شده است.

به عبارتی دیگر، هرچند بنا بر قاعده کلی، معمولاً خسارتهای عمدی و توأم با سوء نیت در شمار استثنائات تعهدات بیمه‌گران قرار می‌گیرد، ولی چنانچه اقدامات یادشده از سوی بیمه‌گذار، ذی‌نفع و یا متصرفان اموال واقع نگردد، حق درخواست جبران خسارت به استناد بیمه‌نامه برای بیمه‌گذار یا ذی‌نفع محفوظ باقی خواهد ماند. بنابراین در بیمه‌نامه‌هایی مانند آتش‌سوزی، در صورت حریق عمدی اموال توسط افراد ثالث که در واقع مرتکبان عمل مجرمانه هستند، بیمه‌گذار در شرایطی که نتواند و یا به هر دلیلی نخواهد از طریق آنان حقوق خود را استیفا کند، این حق را خواهد داشت که جبران خسارتهای آنها را در حدود تعهدات بیمه‌نامه از بیمه‌گر خود درخواست کند.

در ادامه این مطالب، قابلیت‌های بیمه در راستای حمایت از قربانیان جرایم از منظر تأمین مستقیم خسارت و نیز شیوه‌های میانجی‌گرانه معمول که توسط بیمه‌گران قابل اجراست، مورد بحث و معرفی قرار می‌گیرد.

۱. تأمین خسارت

اساس بیمه بر پایه تأمین خسارتهای محتمل از سوی بیمه‌گر استوار گردیده است. در بسیاری از قراردادهای بیمه، وارد شدن خسارات یا صدمات جانی به مال مورد بیمه و یا شخص بیمه‌شده در اثر اقدام مجرمانه اشخاص ثالث، از مشمول تعهدات بیمه‌گران خارج نشده است. بنابراین ذی‌نفع بیمه‌نامه در مواقعی که بزه‌دیده واقع گردیده است، می‌تواند با مراجعه به بیمه‌گر خود در حدود شرایط بیمه‌نامه،

خسارت‌زدایی از خود و یا دریافت غرامت را درخواست کند.

الف) پوششهای بیمه‌ای برای اموال

در چارچوب ضوابط مربوط به بیمه‌های اموال، همه داراییهای افراد در قالب قرارداد بیمه مشخصی و در قبال خطرات تعریف‌شده‌ای مانند حریق، سرقت، عملیات متقلبانه و یا غیر قانونی اشخاص ثالث و یا خطرات طبیعی تحت پوشش حمایت بیمه‌گران قرار می‌گیرد. پس توسعه و تعمیم بیمه‌های آتش‌سوزی و سرقت، باربری، مهندسی و مقاطعه‌کاری، آماج جرم رازیر چتر حمایتی بیمه در شرایط قابل تحمل‌تری قرار می‌دهد. بدین لحاظ است که مشارکت نهادهای بیمه در فرآیند حمایتی از بزه‌دیدگان و اقدامات سیاست جنایی، کاملاً مشهود می‌گردد.

در این قسمت از بحث، جای آن دارد که به تعامل و هم‌اندیشی متولیان صنعت بیمه با متولیان سیاست جنایی (اعم از تقنینی، اجرایی و قضایی) به عنوان ضرورتی که توجه به آن، نتایج مطلوبی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان دارد، اشاره کنیم.^۱

ب) پوشش بیمه‌ای برای اشخاص

قراردادهای بیمه حوادث انفرادی، خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای و ورزشی و همچنین بیمه‌های عمر در انواع «به شرط مرگ» یا «مختلط» و بیمه‌های درمانی در شمار بیمه‌هایی تلقی می‌گردد که موضوع و محور تأمین در آن، سلامتی، حیات و زندگی بیمه‌شدگان است. از این رو، در صورت ورود هرگونه آسیب یا لطمه‌ای که به جرح، نقص عضو و یا مرگ بیمه‌شده منجر گردد، با توجه به بیمه‌نامه‌های مزبور، شرایط مطالبه غرامت از بیمه‌گران تحقق می‌یابد.

توسعه و ارتقای فرهنگ بیمه و تعمیم پوششهای بیمه‌ای پیش‌گفته از آسیب‌پذیری افراد در برابر ضایعات و ضرر و زیان ناشی از حوادث و جرایم خواهد کاست.

۱. در سالهای اخیر مؤسسات بیمه‌گر چنین حرکتی را آغاز کرده‌اند. مذاکرات مسئولان بیمه مرکزی و شرکتهای بیمه با مجلس، دستگاه قضایی و مسئولان نیروهای انتظامی و مشارکت آنان در نظرخواهیها به عنوان نمونه یادآوری می‌گردد.

ج) پوشش بیمه‌های مسئولیت

مبنای اصلی طرح بیمه‌های مسئولیت، حمایت از حادثه‌دیدگان و جلوگیری از مواجه شدن آنان با اِعسار مسبب حوادث قلمداد گردیده است. بیمه‌گران در سالهای اخیر در زمینه بیمه‌های مسئولیت، از محدوده مسئولیتهای فردی یا فراتر نهاده‌اند و با ارائه طرحهایی مانند بیمه شهرداریها در مقابل شهروندان، با نگرش عمیق به ضرورت توسعه بیمه‌های مسئولیت برای ساده‌سازی فرآیند جبران خسارتهای حادثه‌دیدگان توجه کرده‌اند.

د) ایفای نقش منابع بیمه‌ای در چارچوب صندوقهای حمایتی

منابع مالی بیمه‌ای با هدایت و سازماندهی قانون‌گذاران و متولیان سیاست جنایی و صنعت بیمه‌ای می‌تواند برای تشکیل صندوقهای حمایتی که کاربرد حمایتی آن در مسیر جبران خسارتهای وارد بر بزه‌دیدگان است، گام بردارد.

در کشور ما صندوق تأمین خسارتهای بدنی بیمه مرکزی که منابع مالی آن از کسر بخشی از حق بیمه‌های اتومبیل تأمین می‌گردد و در موارد تصادفات رانندگی، برای خسارت‌زدایی از حادثه‌دیدگانی که با اِعسار مجرم و یا عدم دسترسی به او مواجه گردیده‌اند، یکی از موارد شاخص تأثیرگذاری منابع بیمه‌ای در قالب صندوقهای حمایتی تلقی می‌گردد. لازم به تذکر است که در کشور فرانسه با کسر مبلغی حدود پنج یورو از حق بیمه بیمه‌های اموال و تمرکز آن در صندوق تضمین و متعاقباً استفاده از این منابع با حکم کمیسیون خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم^۱ تحقیقاً آرمان مشارکت جامعه مدنی و بیمه‌گذاران بیمه‌های اموال در تحقق طرح حمایت از بزه‌دیدگان به منصفه ظهور درآمده است.

ه) تعمیم بیمه و کاهش رقم سیاه بزهکاری

رقم سیاه بزهکاری و مخفی ماندن آمار واقعی جرایم، همواره طرحهای متولیان سیاست جنایی در راستای پیشگیری از وقوع جرایم را تحت تأثیر قرار داده است.

1. La Commission D'indemnisation de Victimes D'infractions.

از آنجا که استفاده از مزایای بیمه‌نامه‌ها مستلزم اعلام خسارت از ناحیه زیان‌دیدگان است، بدون تردید، بخش عمده‌ای از جرایم ارتكابی که در حالت معمول اعلام نمی‌گردد، توسط بیمه‌گران ثبت گردیده و ارائه این آمار توسط مؤسسات بیمه می‌تواند کمک شایانی به سیاست جنایی کشورها و اصلاح آمار جنایی بنماید.

بنابراین تعمیم بیمه، علاوه بر گسترش زمینه‌های خسارت‌زدایی، در شفاف‌سازی آمار جنایی نیز ایفای نقش مطلوبی را به خود اختصاص می‌دهد.

و) بیمه و پیشگیری وضعی

ضوابط و مقررات بیمه‌ای و نحوه انتخاب خطرات تحت پوشش توسط بیمه‌گران به صورتی است که آنان را نسبت به آماج جرایم و میزان آسیب‌پذیری موارد بیمه‌ای در مقابل خطرات و از جمله اعمال مجرمانه حساس می‌سازد.

بیمه‌گران در مرحله صدور بیمه‌نامه‌هایی مانند بیمه سرقت یا آتش‌سوزی، توصیه‌های الزامی و گاه ارشادی بسیار مفیدی به بیمه‌گذاران می‌کنند که نتیجه شاخص آن کاملاً منطبق با اصول مورد نظر در بحثهای مربوط به پیشگیری وصفی است. لازم به ذکر است که فقدان شرایط ایمنی مناسب در برخی موارد موجب عدم پذیرش بیمه‌نامه از سوی بیمه‌گران شده و بیمه‌گذاران به اعمال اقدامات پیشگیرانه مؤثر برای حفاظت از آماج جرم، ترغیب می‌شوند. همچنین طبق برخی مقررات بیمه‌نامه‌ها چنانچه بیمه‌گذار در نگهداری و حفاظت از اموال مورد بیمه، تمهیدات متعارف را فراهم نکرده باشد، پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گران با وقفه مواجه خواهد شد. بنابراین قرارداد بیمه به عنوان عامل مشوق بیمه‌گذار در توجه بیشتر برای حفاظت از اموال، منشأ اثر است.

ز) نقش قاعده جانشینی برای حمایت از بزه‌دیدگان

طبق اصول پذیرفته شده در حقوق بیمه و بر اساس قاعده‌ای تحت عنوان جانشینی یا قائم‌مقامی در بیمه‌های اموال و برخی انواع بیمه‌های مسئولیت، در صورت وقوع

زیان، چنانچه عامل خسارت یا مسبب شخصی غیر از بیمه‌گذار طرف قرارداد بیمه‌گر باشد، زیان دیده همه حقوق خود را نسبت به میزان خسارت دریافتی به بیمه‌گر واگذار می‌نماید و بیمه‌گر با مراجعه به مسبب و پیگیری وصول مطالبات و گاه اقامه دعوا علیه وی، نسبت به بازیافت آنچه پرداخته است، اقدام می‌کند. مؤسسات بیمه‌گر در این مرحله، از کارشناسان خبره حقوقی و افراد صاحب تجربه در زمینه کشف جرایم بهره می‌گیرند و در بسیاری موارد، تلاش و حساسیت این افراد در راستای روشن شدن واقعیات در مرحله ارزیابی خسارت، منتهی به کشف جرم و شناسایی مجرم می‌گردد. هرچند که انگیزه اصلی بیمه‌گران در این خصوص حفظ منافع شرکتهای بیمه است، ولی نتیجه این اقدامات، تسهیل فرآیند شناسایی مجرمان احتمالی است.

از سوی دیگر، چنانچه بیمه‌گذار تنها بخشی از خسارتها را از محل بیمه‌نامه دریافت کرده باشد و نسبت به مابقی به دلیل عدم دسترسی به مجرم و مسبب اصلی، با مشکل روبه‌رو باشد، نتایج اقدامات بیمه‌گر در زمینه اجرای حق جانشینی وی به نفع بزه‌دیده است و شرایط جبران خسارت را برای او تسهیل می‌کند.

ح) پرداخت خسارت به صورت علی‌الحساب توسط بیمه‌گران^۱

بلافاصله پس از وقوع جرایمی مانند سرقت یا حریق (اعم از عمدی یا غیر عمدی) و برخی جرایم رانندگی خسارت‌زا، نیاز بزه‌دیدگان (که گاه بیمه‌گذار و طرف قرارداد مؤسسه بیمه هستند و گاه شخص ثالث تلقی می‌گردند) به جبران بخشی از خسارات وارد شده، به صورت پرداخت علی‌الحساب مشهود است. این اقدام بر محدود کردن دامنه خسارتها و توسعه آن نیز اثرگذار است.

ط) طرح بیمه صیانت حقوقی^۲

از نظر فن بیمه، خطر تحت پوشش باید محتمل باشد. احتمال تحمّل خسارت در پی وقوع عمل مجرمانه اشخاص ثالث و بزه‌دیده واقع شدن افراد جامعه نیز می‌تواند از

نظر بیمه‌ای ریسک قابل پوششی تلقی گردد.

در برخی کشورها مانند فرانسه، بیمه‌نامه‌های جدیدی با عنوان «بیمه صیانت حقوقی» به فروش می‌رسد و بر اساس مفاد آن، هر شهروندی که از چنین بیمه‌نامه‌ای بهره‌مند باشد، در صورت نیاز به صیانت حقوقی و پیگیری برای احقاق حق خود علیه افراد متخلف از مزایای این بیمه استفاده خواهد برد. شایان ذکر است که این پوشش به دو صورت مستقل و با عنوان بیمه‌نامه خاص و یا به صورت پوششی تکمیلی برای انواع بیمه‌نامه‌ها ارائه می‌گردد.

۲. بیمه و حلّ و فصل غیر قضایی

حلّ و فصل غیر قضایی، حذف تشریفات قانونی مراجعه بزه‌دیده به مراجع قضایی، از بین بردن زمینه روبارویی با بزه‌کار و جلوگیری از طولانی شدن فرآیند خسارت‌زدایی در چرخه عدالت کیفری، از مواردی تلقی می‌گردد که اجرای آن، بخشی از اهداف طرح حمایت از بزه‌دیدگان را تأمین خواهد کرد. وجود بیمه و امکان استفاده از مزایای آن در بسیاری موارد، طرفین درگیر را از مراجعه و طرح موضوع در دستگاه قضایی معاف می‌سازد. نمونه بارز آن در تصادفات رانندگی ملاحظه می‌شود که معمولاً بدون ارجاع به دادگاه توسط بیمه‌گران حلّ و فصل می‌گردد. بنابراین تعمیم بیمه در جامعه موجب قضا‌زدایی و کاهش حجم پرونده‌های دستگاه قضایی و در اکثر مواقع، تأمین رضایت بزه‌دیدگان خواهد گردید.

الف) مصالحه و سازش در مؤسسات بیمه

شرکتهای بیمه پس از مراجع انتظامی (نظیر پاسگاهها و کلانتریها) از محیطهایی است که بزه‌دیدگان و بزه‌کاران (به‌ویژه در جرایم غیر نقدی) در آنجا با یکدیگر مواجه می‌گردند.

در این مرحله، روحیه منفعل و آسیب‌یافته بزه‌دیده و اختلافات بین او و بزه‌کار، وضعیت حساسی را به وجود می‌آورد. از طرفی دیگر، چنانچه بیمه‌گر در

1. Une Provision.

2. L'assurance De Protection Juridique.

این فرصت در قالب میانجی‌گر، واسطه بین بزه‌دیده و بزه‌کار قرار گیرد، می‌تواند ضمن نزدیک کردن افکار آنها به یکدیگر، با پیشنهاد مصالحه و سازش و اعلام موافقت خود مبنی بر پرداخت خسارت، بدون نیاز به ارائه حکم قضایی، نقش بسیار مثبتی را ایفا کند.

ب) نقش مددکار بیمه‌ای در فرآیند حمایت از بزه‌دیدگان

علاوه بر اینکه تحقق نقش بیمه‌گر برای ترغیب طرفین به مصالحه، نیازمند به کارگیری کارشناسان آگاه به مسائل اجتماعی و روان‌شناختی است، فعالیت واحدی که به ارائه خدمات مددکار بیمه‌ای در راستای رفع مشکلات حادثه‌دیدگان بپردازد، کاملاً مطلوب و با طرح حمایت از بزه‌دیدگان، موافق است. مددکار بیمه‌ای در مواردی مانند ضرورت التیام روانی و تشکیل آلام قربانیان حوادث، می‌تواند اثرات بسیار ارزنده‌ای را بر فرآیند خسارت‌زدایی و حمایت از بزه‌دیدگان به جای گذارد. در حال حاضر، تدون و طراحی وظایف و حیطه فعالیت مددکاران بیمه‌ای در راستای اجرای موارد فوق مد نظر بیمه‌گران است.

ج) کارایی بیمه در ترمیم خسارتهای غیر مادی

خسارتهای غیر مادی به صورت دقیق، نه قابل تقویم به پول است و نه قابل جبران. مواردی مانند عواطف جریحه‌دار شده مادری که فرزندش را در اثر بی‌مبالاتی راننده‌ای عجل از دست داده و یا مالکی که تمام دارایی‌اش در جریان سرقت شبانه از بین رفته و دختری که چهره‌اش متعاقب اقدامات مجرمانه مرتکب جرایم خیابانی، به شدت مجروح شده است، از موضوعاتی نیست که تنها با پرداخت وجه نقد، به حالت اولیه و عادی بازگردد. مؤسسات بیمه با توجه به این موضوع که می‌توانند با حضوری آرامش‌دهنده و استفاده از کارشناسانی آگاه به مسائل روان‌شناختی و مددکاری، موجبات تسکین و التیام قربانیان حوادث و از جمله، جرایم را فراهم سازند، باید برنامه‌هایی را تدوین و اجرا کنند.

۱. «La notion de reparation» در حقوق فرانسه به معنای مفهوم ترمیم شناخته شده است.

نقش مددکار بیمه معرفی شده در بند «ب» در این راستا بسیار شاخص است و علاوه بر تأثیرات مطلوب برای بیمه‌گران، در جذب مشتریان جدید، به عنوان نمونه‌ای بارز از ایفای نقش مؤسسات بیمه در حمایت از بزه‌دیدگان، اثربخش خواهد بود.

شایان ذکر است که هرچند پوشش پرداخت هزینه‌های درمانی مربوط به جلسات روان‌درمانی و مشاوره، به ویژه برای افرادی که در اثر وقوع حادثه یا عمل مجرمانه دچار اختلال استرس پس از ضربه (P.T.S.D)^۱ شده‌اند، معمولاً از شمول تعهدات بیمه‌گران خارج است، ولی اضافه کردن این پوشش به شرایط بیمه‌نامه‌های اشخاص و مسئولیت با اخذ حق بیمه اضافی می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را از دوش بزه‌دیدگانی که فراتر از نیاز به جبران خسارتهای مالی، به صورتی کاملاً حاد و جدی محتاج درمانهای روان‌شناختی و مراقبتهای ویژه روانی هستند، بردارد و از استمرار و بقای اختلالات روانی ناشی از وقوع بزه در فرد بزه‌دیده جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

فرآیند «بزه‌دیده واقع شدن» از زوایای متفاوتی مورد توجه صاحب نظران علوم جنایی و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار گرفته است. رابطه علیت میان بزه‌دیده و رفتار او، خصوصیات شخص مجرم، تلاشهای گسترده در راستای کاهش مناسبتهای «بزه‌دیده واقع شدن» و تکیه بر ضرورت حمایت از بزه‌دیده با شیوه و رویکردی سازمان‌یافته، از مباحث بزه‌دیده‌شناسی است.

امروزه جنبش حمایت از بزه‌دیده و قربانیان غیر مستقیم بزه‌کاری به عنوان یکی از گرایشهای دانش سیاست جنایی پذیرفته شده است. ضرورت ایجاد تغییراتی بنیادین در ساختار شیوه‌های خسارت‌زدایی و ایجاد تحولاتی نوین در

۱. «P.T.S.D» مخفف «Post Traumatic Stress Disorder» و به معنای اختلال روانی حاصل از ضربه است. این ضربه برای قربانیان جرایم می‌تواند تحریک حاصل از وقوع جرم باشد. تحقیقات نشان داده است که چنانچه این اختلال درمان نگردد، زمینه‌های آغاز سایر آسیبها و بی‌نظمیهای روانی در اشخاص پدیدار می‌گردد. شناخت واحدهای مددکاری بیمه‌ای از موضوع و تشخیص و اقدام به موقع آنها می‌تواند بهترین نوع حمایت از بزه‌دیده باشد.

نظام رفاه و تأمین اجتماعی و اذعان داشتن به دو واقعیت مهم، مسیر تحقیقات را به سوی بهره‌گیری از قابلیت‌های گسترده نهاد بیمه و تفکر متکی بر منطق بیمه‌ای سوق می‌دهد:

واقعیت نخست اینکه «بزه‌دیده و متضرر از جرم، غالباً قربانی نظام عدالت کیفری و بی‌نظمی در روابط اجتماعی نیز می‌باشند».

دوم اینکه «عدم کارایی و محدودیت امکانات دولتها در خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم است که ذهن هر محقق را به ضرورت استفاده منطقی، انسانی و بهینه از سازوکار بیمه با همه امکانات متنوع قانونی و قراردادی آن متوجه می‌کند». به راستی که مفاهیم ارزشمند مورد تأکید در نظریه عدالت ترمیمی^۱ (مانند جبران، تسکین، اعاده وضعیت، التیام آسیب‌های جسمی و روانی و...) تنها آرمان‌هایی عاطفی، محض و دور از ذهن نیست، بلکه تجلی و نمود عینی نیازی است که هر فردی در مرحله تجربه تلخ «احساس بزه‌دیده شدن» آن را لمس می‌کند!

تعمیم بیمه در جامعه می‌تواند فرآیند تحمل این رنج‌ها و زمینه‌های آشتی مجدد بزه‌دیده با جامعه را فراهم سازد و این یکی از آرمان‌های سیاست جنایی واقع‌گرا و عدالت ترمیمی است؛ آرمانی که امیدواریم به جدیت مورد توجه متولیان نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی کشور ما قرار گیرد^۲ و از رهگذر گذار از منطق کیفری به منطق مبتنی بر حقوق بیمه، صیانت جامعه و حمایت از قربانیان جرایم، به خوبی اجرا شود.

1. Restorative Justice.

۲. برای اطلاع بیشتر از چگونگی ایفای نقش مؤسسات بیمه در فرآیند ترمیم خسارت‌های غیر مادی و کاهش آلام قربانیان جرایم، ر.ک: مصاحبه نگارنده با پرفسور جerald لویز، نویسنده کتاب *بزه‌دیده‌شناسی*، مندرج در پاورقی ص ۶۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی با عنوان «سیاست جنایی مبتنی بر حمایت از بزه‌دیده و نقش بیمه در آن».

حلّ و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری یکسید و ضرورت الحاق ایران^۱

□ دکتر محمود جلالی
□ استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده:

«کنوانسیون یکسید» یکی از مهم‌ترین معاهدات حقوق بین‌الملل اقتصادی است که افراد را به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل به رسمیت می‌شناسد. برخلاف کم‌توجهی نسبت به سرمایه‌گذاری در گذشته، کشورها از اواسط دهه ۱۹۸۰ به طور روزافزونی دیدگاه‌های مشابهی را درباره برخورد حقوقی با مسئله سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی اتخاذ کرده‌اند. این امر را می‌توان در قوانین ملی کشورها در خصوص سرمایه‌گذاری، معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی آنها و رویکرد مثبت آنها نسبت به حل و فصل این‌گونه دعاوی به خوبی مشاهده کرد. این تشابهات خصوصاً در زمینه آزادسازی رژیم‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه‌گذاران قابل توجه است. همچنین نکته جالب توجه در این تغییرات، جایگاه خاص داوری به عنوان وسیله انتخابی

۱. این مقاله برگرفته از قسمتی از طرح پژوهشی شماره ۸۱۰۷۱۸ نگارنده در دانشگاه اصفهان است.